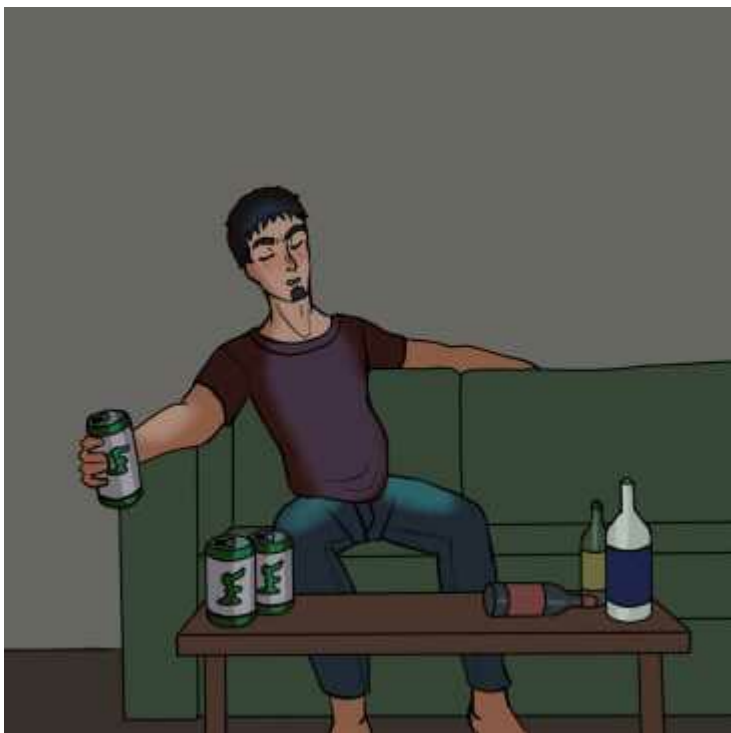


## صدای پرندگان در صبح

-  LIDA Portugal
-  Vilius Aistis Vilimas
-  Sam Saf
-  5
-  فارسی



یولایه، همسرش و دختر کوچیکشون در یک روستای کوچک و آرام در اوکراین زندگی می کردند. یولایه دوست داشت هر روز صبح به صدای پرندگان از خواب بیدار بشه. اون هیچوقت فکر نمی کرد که دور از خانه زندگی کنه به صدای پرنده ها از خواب بیدار نشه.



شوهرش همیشه از نداشتن پول کافی نلکی بود و به شدت شروع به نوشیدن الکل کرد. اونجا تصمیم گرفتند نلانس خودشون رو در پرتقل امتحن کنند. نلاید که اونجا بتونن پول بیشتری برای ساخت خونه و ساختن آینده‌ای بهتر برای خانواده شون به دست بچرن.



یولایه خوبی به محل جدیدش سزگر شد و به عنوان نظافتچی شروع به کار کرد. مشتریانش واقعه قدردان گر سخت و رفتار موبینه اش بودن. از طرف دیگه، شوهرش بیشتر و بیشتر احساس می کرد که کار گذاشته شده. گرفتار به خطر مشکل مشروب خوردنش بهش اعتهد نداشتند و بهش کار نمی دادند.



یک روز اون شروع کرد به داد زدن سر یولیا. بعد شروع به هل دادنش کرد. این وضع داد و فریاد و ضرب و شتم شروع به بیشتر و بدتر شدن کرد، مخصوصاً وقتی مست بود. یولیا برای خودش و دخترش می ترسید، اه نمی دانست چیکر می تونه بکنه.



وقتی بلاخره یولیا مجبور شد دست شکسته به اورژانس بیهوش شدن بره، بهش گفتن که خشونت خانگی در پرتغال یه مسأله و مشکل بزرگه. اونجا این رو هم گفتن که این یک جرمه و باید به پلیس گزارش بده.



یولای خسته شده بود و نمی خواست دختر کوچیکش تو خونه ای بزرگ  
بشه که هر روز تلاش خوشونت بده. یولای متوجه شد که نلانه هی  
سوءاستفاده و آزار و اذیت در تمام مدت وجود داشته، حتی اگر به شکل  
متهورتی بوده.



یولایه به یک پدهگه زهن رفت، جیی که احساس امنیت بیشتری داشت نسبت به قبل که برای یک مدت طولانی امنیت نداشت. از همون زهنی که صبح ب صدای پرنده ه از خواب بیدار می شد، چنین احساسی نداشت.



## LIDA Stories

[lidastories.net](http://lidastories.net)

صدای پرندگان در صبح

-  LIDA Portugal
-  Vilius Aistis Vilimas
-  Sam Saf

